



سراج زاده، سید حسین، ادهمی، جمال و اکبری، یونس. (۱۳۹۲). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در بین دانشجویان اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۱)، ۸۱-۵۵.

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در بین دانشجویان اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر

سید حسین سراج‌زاده^۱، جمال ادهمی^۲ و یونس اکبری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۵

چکیده

مقاله‌ی حاضر به مطالعه‌ی اعتماد بین قومی و سنجش عوامل اجتماعی موثر بر آن می‌پردازد. اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های کانونی سرمایه‌ی اجتماعی و از موضوعات اصلی مورد توجه علمای اجتماعی در جهان معاصر است. در ایران نیز با توجه به شرایط زیست چند قومی بحث درباره عوامل و موانع اعتماد بین اقوام و اقلیت‌ها از یک طرف و اقوام و دولت مرکزی از طرف دیگر همواره از دغدغه‌های دولتمردان و محققان بوده است. در مقاله حاضر بعد از مرور دیدگاه‌ها و منابع تجربی موجود یک چارچوب نظری تنظیم گردید و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده است. پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در مورد ۴۰۰ نفر نمونه از دانشجویان آذری، فارس، کرد و لر دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) تهران انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین فرهنگ اعتماد بین قومی دانشجویان آذری، فارس و لر نسبت به یکدیگر بالاتر از حد متوسط است اما میانگین فرهنگ اعتماد بین قومی کردها نسبت به اقوام دیگر پایین تر از حد متوسط است و میانگین اعتماد همه اقوام نیز به استثنای آذری‌ها نسبت به کردها پایین تر از حد متوسط است. نتیجه تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که ضریب همبستگی چندگانه فرهنگ اعتماد بین قومی ۰/۵۵ می‌باشد و در مجموع به ترتیب متغیرهای تصورات قالبی، اعتماد درون قومی، قوم مداری، اعتماد عام و اعتماد سیاسی ۲۸ درصد تغییرات فرهنگ اعتماد بین قومی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: اعتماد بین قومی؛ اعتماد سیاسی؛ اعتماد عام؛ تصورات کلیشه‌ای؛ قوم مداری؛ هویت قومی

^۱ - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)، serajsh@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، Adhamister@gmail.com

^۳ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، u_akbari1987@yahoo.com

بیان مسأله

جامعه ایران هم از جمله جوامعی است که دارای سابقه و پیشینه امپراتوری بوده، و اقوام و نژادهای گوناگونی (بشیریه ۱۳۷۵: ۲۸۰) چون فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب و گیلک (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۱؛ یوسفی و چلبی، ۱۳۸۳؛ یوسفی ۱۳۸۰: ۲۱۴-۲۰۱) را در درون خود جای داده است. اقوامی که در یک جامعه به علت تجزیه ارضی اتفاقی بصورت اقلیت درآمده‌اند، بیشتر برحفظ و تداوم تفاوت‌های فرهنگی و هویت یابی‌های خاص گرایانه قومی تمایل دارند (بشیریه، ۱۳۷۵: ۲۹۰). براین اساس، در جامعه ایران تفاوت‌ها و شکاف‌های قومی در سه سطح زبانی، مذهبی و نژادی با ریشه تاریخی طولانی بویژه از دوره صفویه به بعد کشمکش‌ها و منازعاتی را در پی داشته است (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۱؛ بشیریه، ۱۳۷۵: ۲۸۵).

با پیدایش دولت مطلقه مدرن (دولت پهلوی) از نفوذ و قدرت سیاسی قبایل و خوانین و تشکیلات قومی- محلی کاسته شد. برنامه‌های اعمال شده برای تقویت دولت مرکزی در جهت یکسان سازی فرهنگی، اسکان عشایر، متحد الشکل کردن لباس، و ... به انحلال تشکیلات سنتی _ محلی و تقویت دستگاه بوروکراتیک منجر شد (بشیریه، ۱۳۷۵: ۲۸۶). منازعات تاریخی اقوام و دولت مرکزی بعد از انقلاب اسلامی ایران هم به صورت‌هایی تداوم یافته و فراز و فرودهایی داشته است. بنابر آنچه که گفته شد تاریخچه حیات سیاسی، اجتماعی کشور ایران، همانند بسیاری از کشورهای چند قومیتی منطقه، از یک طرف با اختلافات میان اقوام، قبایل و مذاهب در دوران حکومت‌های قومی^۱ (قبیله ای (ملوک الطوائفی) و از طرف دیگر با منازعات میان حکومت و برخی اقوام در دوره مدرن همراه بوده است. چنین شرایطی می‌تواند بر اعتماد بین قومی اثر بگذارد و موجب کاهش آن شود و این خود به تشدید منازعات بین قومی و بین برخی اقوام با حکومت مرکزی منجر شود.

پژوهش‌های تجربی معدودی که در این زمینه انجام شده است حاکی از وجود سطوح مختلفی از فاصله و بی اعتمادی بین قومی در ایران است. مطالعه‌ای در بین هشت قوم آذری، بلوچ، ترکمن، طالش، عرب، فارس، کرد و لر به این نتیجه رسید که میزان آشنائی بین قومی، روابط و احساس نزدیکی بین قومی ضعیف و احساس تعهد، هویت و قوم مداری در بین اقوام مذکور بالا ست (یوسفی و چلبی، ۱۳۸۳: ۹۶-۱۶). همچنین تحقیقاتی که در جوامع غربی صورت گرفته است نشان می‌دهد که تنوعات قومی می‌تواند بر اعتماد اجتماعی اثر منفی داشته باشد.

با توجه به توضیحات بالا، مسئله این مقاله معطوف به اعتماد بین اقوام در ایران است و به پرسش‌های زیر می‌پردازد:

- (۱) وضعیت اعتماد اجتماعی در بین اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر چگونه است؟
 (۲) عوامل اجتماعی موثر بر اعتماد بین قومی کدامند؟
 (۳) برای افزایش اعتماد بین قومی چه راهکارهایی را می‌توان ارائه نمود؟

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق شامل دو بخش مطالعات تجربی (خارجی و داخلی) و مطالعات نظری است. از جمله منابع تجربی خارجی مرتبط با اعتماد بین قومی می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود.

نتایج تحقیقات نک^۱ و کی فیر^۲ (۱۹۹۷) و پنانت^۳ (۲۰۰۵) نشان داد که کشورهای دارای جمعیت همگون از نظر قومی سطوح بالایی از اعتماد عام را دارا هستند اما جوامعی که به وسیله تفاوت‌های قومی، سیاسی و مذهبی یا درآمدی قطب بندی شده‌اند احتمالاً اعتماد و هنجارهای همکاری و مشارکت درون گروهی در آن تقویت شده و در مقابل مشارکت بین گروهی تضعیف می‌شود. در همین راستا مطالعه‌ی فالک^۴ و زیندر^۵ نیز در شهر زوریخ نشان داد که در جاهایی که ناهمگونی قومی کاهش می‌یابد درجه اعتماد پذیری افزایش می‌یابد (فالک و زیندر، ۲۰۰۷). نتایج مطالعات السینا^۶ و فرارا^۷ در ایالات متحده نشان داد که سه عامل عمده بر اعتماد موثر است؛ (۱) تجارب فردی نظیر تحصیلات، درآمد و شانس و فرصت‌های فردی (۲) تعلق به گروهی که احساس تبعیض می‌کند مانند سیاهان و زنان (۳) ویژگی‌های اجتماعی؛ اعتماد میان فردی در اجتماعات دارای ناهمگونی بالای نژادی، در اجتماعات دارای نابرابری درآمدی بالا و تا حدودی در اجتماعات بی ثبات، پایین است. اثر ناهمگونی قومی روی اعتماد تا حدودی بدین دلیل است که افراد به کسانی بیشتر اعتماد می‌کنند که به خودشان شبیه باشند (السینا و فرارا، ۲۰۰۰) اما مطالعه‌ی لیتکی^۸ نشان داد که پایگاه همسایگی تعیین کننده اصلی همه ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی است و گونه‌ی نژادی هیچ اثرکاهنده و فرسایشی بر سرمایه‌ی اجتماعی ندارد (لیتکی، ۲۰۰۴).

1. Kneck

2. Kefeere

3. Pennant

4. Falk

5. Zehnder

6. Alesina

7. Ferrara

8. Letki

پیترهاکسون^۱ و فردریک سوهلم^۲ (۲۰۰۵) در پیمایشی درهرزگوئین به این نتایج رسیدند که پایین آمدن میزان اعتماد در بوسنی و هرزگوئین در طول سالهای اخیر احتمالاً به دلیل ناهمگونی نژادی باشد. اما افرادی که به مردمان ملیت‌های دیگر اعتماد ندارند در خارج از حوزه خانوادگی به افراد متعلق به قوم خود نیز اعتماد ندارند. از اینرو توزیع قومی در یک منطقه ممکن است از طریق عوامل دیگری همچون تجربیات تاریخی بر سطوح اعتماد موثر باشد. بهرآی^۳ و همکارانش (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان «قومیت و اعتماد: مطالعه‌ی موردی موردی روسیه» یک تیپولوژی چهارگانه از اعتماد را بدین صورت ارائه دادند؛

*اعتماد دربرگیرنده^۴: افرادی که هم به درون گروه و هم به بیرون از گروه خودی اعتماد دارند.

* اعتماد انحصاری^۵: افرادی که به گروه خودشان اعتماد دارند اما به گروه‌های دیگر اعتماد ندارند.

* اعتماد بیگانه شده^۶: افرادی که به گروه‌های دیگر اعتماد دارند، اما به گروه خودشان اعتماد ندارند.

* اعتماد اتمیزه شده^۷: افرادی که هم به درون گروه وهم به بیرون گروه اعتماد ندارند. برخلاف تحلیل رایج آنها نشان دادند اعتماد درون گروهی-قومی بالا، هیچ ممانعتی برای ایمان و اعتقاد به دیگران (عام) ایجاد نمی کند و اعتماد عام به اطمینان و اعتماد بیشتر در میان خطوط قومی منجر می شود. بالعکس، تعلق و دلبستگی شدید به هنجارها در درون گروه و باورهای کلیشه ای منفی نسبت به بیرون گروه، به اطمینان و اعتماد بین قومی پایین تری می انجامد. و افراد به گروه‌هایی که روزانه می بینند بیشتر اعتماد می کنند. بنابراین اعتماد در میان بیرون گروه‌های مختلف دست کم تا حدودی بسته به میزان برخوردها و آشنایی‌های متفاوت می باشد. آنها همچون دیگر محققان معتقدند که اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد بین قومی را تقویت می کند. سرانجام آنها معتقدند که اعتماد عام به اعتماد بین قومی کمک می کند اما آن دو بطور آشکار قابل جایگزینی نیستند.

-
1. P. Hakansson
 2. F. Sjöholm
 3. Bahry
 4. Inclusionary
 5. Exclusionary
 6. Alienated
 7. Atomized

اما سوروکا^۱ و همکارانش (۲۰۰۵) در پژوهشی دریافتند که گونه‌گونی، تماس با افراد متعلق به اقوام مختلف و به تبع آن اعتماد قومی و اعتماد عام را افزایش می‌دهد، بطوریکه در کانادا معلوم شد که قومیت و زمینه قومی هیچ اثر منفی بر حمایت از برنامه‌های اجتماعی ندارد. آیزلیوود^۲ و همکارانش (۲۰۰۵) هم نشان دادند که بین گروه‌های قومی در رابطه با اعتماد میان فردی و اعتماد سیاسی و تعامل اجتماعی غیر رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بطوریکه اقلیتها و مهاجران نسبت به گروه‌های دیگر اعتماد بالایی به حکومت دارند.

آندریو لی^۳ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که اعتماد در نواحی برخوردار به لحاظ اقتصادی بالاست و کسانی که از تبعیض بر اساس جنسیت و نژادشان رنج می‌برند کمتر اعتماد می‌کنند. اریک اسلانر^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد اعتماد عام صرفاً در جوامع دارای ناهمگونی جمعیتی پایین نیست، بلکه در جوامعی که محل سکونت گروه‌های اقلیتی از محل سکونت و فعالیت گروه‌های اکثریتی جدا شده و تعامل کمتری بایکدیگر دارند، اعتماد عام سیر نزولی دارد. وارد^۵ و همکارانش (۲۰۰۷) هم دریافتند دو جامعه پساکمونیستی و به لحاظ قومی متفاوت بوسنی و هرزگوین و منطقه شمال روسیه دارای تجارب تاریخی تضادهای بین قومی و جدایی طلبانه می‌باشند. مطالعه‌ی آنها نشان داد که اعتماد بین قومی در قفقاز شمالی بیشتر از بوسنی می‌باشد. پاسخگویانی که از افتخار قومی بالایی برخوردار نیستند بیشتر به دوستان دارای پیشینه‌های قومی گوناگون و به اعضای گروه‌های از ملل دیگر اعتماد دارند.

در ایران، تاکنون تحقیقی که مشخصاً به اعتماد بین اقوام بپردازد، انجام نشده است. تنها مطالعه‌ای ای که به اعتماد اجتماعی پرداخته است، کار رضایی و احمدلو (۱۳۸۳) است که درباره «نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی (بررسی جوانان تبریز و مهاباد)» می‌باشد. نتایج کار آنها نشان داد که میزان هویت ملی پاسخگویان در حد بالایی است. میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مورد مطالعه پایین، و میزان روابط بین قومی پاسخگویان بسیار پایین است. گرایش به اقوام میزان روابط بین قومی را تقویت می‌کند و هر دو متغیر فوق تأثیر مثبتی بر میزان هویت ملی جوانان دارد.

یوسفی و اصغریپور (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی با عنوان «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران» به این نتیجه رسیدند که اولاً، قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، در

1. Soroka
2. Aizlewood
3. Leigh
4. Uslaner
5. Ward

عین حال کمترین قوم مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم مداری از آن بلوچ‌ها است. ثانیاً، قوم مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد و ثالثاً قوم مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین قومی می‌شود (یوسفی و اصغری‌پور، ۱۳۸۸).

بنابراین کارهایی که در حوزه اعتماد صورت گرفته، تنها به یک سوال زمینه‌ای درباره قومیت پاسخگویان، اکتفاء نموده‌اند و تنها محققان خارجی مسأله اعتماد را در ارتباط با گروه‌های قومی مختلف مطالعه کرده‌اند.

چهارچوب نظری

دو رویکرد فکری عمده در مورد اعتماد وجود دارد؛ یک رویکرد برآن است که اعتماد یک خصیصه فردی است و با ویژگیهای فردی و شخصیتی، صورتهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی افراد از قبیل طبقه، تحصیلات، درآمد، سن و جنسیت متناظر است. رویکرد دیگر استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی ویژگی فردی نبوده بلکه مختص نظام‌های اجتماعی است و بر ویژگیهای سیستمیک یا ضروری جوامع و نهادهای مرکزی شان متمرکز است. اما در یک دسته بندی دیگر اعتماد را می‌توان در دو سطح استراتژیک و عقلانی و فرهنگی (اخلاقی) مد نظر قرار داد. در اینجا با رویکردی جامعه‌شناختی مهمترین مباحث نظری مرتبط مرور می‌شوند.

جیمز کلمن^۱ (۱۳۷۷: ۴۶) با رویکرد انتخاب عقلانی به اعتماد می‌نگرد وی اعتماد را کیفیتی از رابطه می‌داند که در آن حداقل دو طرف وجود دارند. اعتماد کننده و اعتماد شونده که کلمن هر دو را دارای اهداف تأمین منافع شخصی معرفی می‌کند. کلمن نقش اطلاعات را برای ارزیابی شرایط و محاسبه عقلانی سود و زیان ناشی از اعتماد ضروری می‌داند. نقشی که به اعتماد کننده کمک می‌کند تا برآورد صحیحی از احتمال منفعت و یا ضرر داشته باشد.

پوتنام^۲ در کتاب «کاربرد دموکراسی و سنت‌های مدنی ایتالیا» اعتماد را یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی می‌داند وی سرمایه‌ی اجتماعی را نه کنش جمعی بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی می‌داند که مسائل کنش جمعی را حل و فصل می‌نماید. او در توضیح سرمایه‌ی اجتماعی بین دو گروه متصل و همبسته تمایز قائل می‌شود. گروه‌های متصل، گروه‌هایی اند که اعضای آنها تشابه کمتری با یکدیگر دارند به این معنی که گروه‌های قومی و نژادی گوناگون در کنار یکدیگر فعالانه مشارکت و

^۱ J. Coleman

^۲ R. Putnam

همکاری می‌کنند. گروه‌های همبسته، دارای همبستگی شدیدی بین اعضای خود هستند، آنها اشتراکات قابل توجهی در زمینه اعتقادات و نگرش‌ها دارند. وی دو دسته عوامل فردی (تجارب شخصی، طبقه اجتماعی، تحصیلات و نژاد) و اجتماعی (عضویت در شبکه‌های اجتماعی، عضویت در سازمانهای داوطلبانه، میزان روابط اجتماعی و مشارکت مدنی) را بر اعتماد موثر می‌داند (پوتنام، ۱۹۹۵: ۲۳).

نیکلاس لومان^۱ (۱۹۷۹: ۹۳) کارکرد اعتماد را در درون نظام اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و با کارکرد قانون جامعه مقایسه می‌کند به نظر او، همانند قانون، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی اینست که عدم تعیین اجتماعی را کاهش و بدین ترتیب قابلیت پیش بینی رفتارها را افزایش می‌دهد. وی در کتاب اخیرش «اعتماد و قدرت»، اعتماد یا بی‌اعتمادی را لازمه مشارکت در سازمانها و دیگر نهادهای عقلانی و کارآمد می‌داند و معتقد است که اعتماد در یک دنیای آشنا به وجود می‌آید. افراد از طریق نمادها و نشانه‌های نمادین دنیای آشنا و ناآشنا را از یکدیگر متمایز ساخته سپس به یکدیگر اعتماد می‌کنند (۱۹۷۹: ۱۶).

کلاوس اوفه در مقاله‌ی «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» می‌گوید: «اعتماد فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی/ گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ آمادگی آنها برای کمک، همکاری، و پرهیز از اقدامات خود خواهانه، فرصت طلبانه و خصمانه ارتباط دارد. اوفه^۲ همچنین می‌گوید که آسان‌ترین نمونه اعتماد سازی از طریق تعامل مستمر با افرادی است که مدتی طولانی می‌شناسیم. وی این نوع اعتماد را «اعتماد تجربی» یا اعتماد بر مبنای تجربه طولانی می‌نامد (اوفه، ۱۹۹۹: ۱۶) ولی تجربه گذشته تنها مبنای جهت گیری (اعتماد کردن) کنشگران در باره رفتار آینده دیگران، نیست. آنچه برای تحکیم رابطه‌ی اعتماد اهمیت بیشتری دارد آگاهی فرد اعتماد شونده از سابقه کنش و واکنشی است که موجب اعتماد به او شده است و باعث شده است تا اعتماد کننده خطر اعتماد را بپذیرد. اعتماد شونده ممکن است نه از سر عادت یا سرشت، بلکه به دلیل حس تعهد اخلاقی به محترم شمردن اعتماد کمک کند تا صحت فرضیات و انتظارات کسی که اعتماد می‌کند ثابت شود. وی این نوع از اعتماد را «اعتماد اخلاقی» می‌نامد (اوفه، ۱۹۹۹: ۷).

فرانسیس فوکویاما^۳ میزان سرمایه اجتماعی را در وسعت شبکه و شعاع اعتماد اجتماعی موثر می‌داند. بدین معنا هرچه میزان سرمایه اجتماعی با آثار خارجی مثبت، هنجار

^۱. N. Luhmann

^۲. Offe

^۳. F. Fukuyama

همکاری‌های مشترک را تقویت کند بر میزان شعاع اعتماد افزوده می‌شود. بالعکس هر چه همبستگی درون گروهی قوی تر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی برون گروهی با آثار خارجی منفی را تقویت نموده و شعاع اعتماد را کاهش می‌دهد در نتیجه راه همکاری و نوسازی سازمانها و نهادهای جامعه را می‌بندد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

پیوترزتومپکا^۱ (۲۰۰۰: ۲۰) در کتاب «اعتماد، یک نظریه جامعه‌شناختی» تحلیلی منظم از ایده اعتماد، انواع، کارکردها و فرهنگ اعتماد ارائه داده است. وی در تعریف اعتماد می‌گوید: می‌توان اعتماد را نوعی استراتژی مهم و آسان سازی در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل ناپذیر آینده و اعمال ناشناخته دیگران تلقی نمود که دارای منشأ انسانی می‌باشد و نه دارای منشأ طبیعی. وی اعتماد را دارای سه بعد می‌داند:

- اعتماد به عنوان یک ارتباط (کیفیت ارتباط): در این بعد اعتماد از دیدگاه تئوری انتخاب عقلانی، دو فرد اعتماد کننده و اعتماد شونده به کنشهای عقلانی و برقراری ارتباطی مبادله ای می‌پردازند (پیوترزتومپکا، ۲۰۰۰: ۶۰).

- اعتماد به عنوان یک ویژگی شخصی: این نوع اعتماد ناشی از تمایل شخصی است که باخوش بینی بنیادی یا اعتماد اولیه همراه است. این اعتماد از دستاوردهای جامعه پذیری موفقیت آمیز می‌باشد و به صورت عمیق در فضای پر مهر و محبت خانواده‌های سالم پدیدار می‌شود و بعداً ممکن است با تجربیات ناشی از زندگی شاد در یک منطقه خوب تقویت شده و به صورت اعتماد دوجانبه درآید (پیوترزتومپکا، ۲۰۰۰: ۶۵).

- اعتماد بعنوان یک قاعده فرهنگی: بدین معناست که اگر اصول و قواعد لازم برای اعتماد در بین افراد جامعه مشترک و به صورت معین و خارج از افراد باشد این قواعد الزام‌های قوی بر کنش‌های ایجاد کننده یا تحلیل برنده اعتماد وارد می‌سازند. در فرهنگهای دارای اعتماد ممکن است برخی از اصول و قواعد بصورت همگانی باشد و انتظاراتی را برای رسیدن به اعتماد در مورد انواع موضوعات ایجاد کند. اعتماد یا بی اعتمادی فرهنگی نسبت به موضوعات خاص اغلب در باورهای قالبی و تعصبات افراد جامعه جای گرفته است. مانند اینکه نمی‌توان به اشخاص روسی اعتماد کرد. و برخی از قواعد فرهنگی باعث جلب اعتماد عمومی و تقویت آن می‌شود (پیوترزتومپکا، ۲۰۰۰: ۶۶-۶۷).

در نهایت وی اضافه می‌کند اعتماد وابسته به این است که مستقل از وجهه یا اعتبار (ثبت اعمال گذشته)، عملکرد (اعمال واقعی یا رفتار کنونی) و نمود یا طرز رفتار، خود را منتسب به چه موقعیت‌های اجتماعی بدانیم. این موقعیت‌ها می‌تواند از نمود و طرز رفتار ما استنباط شود

^۱ P. Sztompka

و نژاد، سن و جنس را دربر گیرد. پیوند بین چنین خصلت‌های انتسابی و اعتماد معمولاً از تعصبات و تصورات قالبی متأثر می‌شود. مثلاً نمی‌توان به سیاهان اعتماد کرد. در این جا ما با قاعده کلی روبرو هستیم که اهمیت «مشابهت» را نشان می‌دهد؛ مردم تمایل دارند به کسانی که شبیه خودشان هستند اعتماد کنند و به کسانی که همانند خودشان نیستند اعتماد نمی‌کنند. اگر هیأت ظاهری افراد مورد نظر باشد ما بهتر می‌توانیم رفتار افرادی همانند خودمان را پیش بینی کنیم. و به علت ناتوانی در پیشگویی رفتار آتی کسانی که متفاوت هستند ما با سوء ظن و عدم قطعیت به چنین افرادی عکس‌العمل نشان می‌دهیم و بیگانه‌هراسی از نشانه‌های این ناتوانی در پیشگویی رفتار دیگران است (پیوترزتومپکا، ۲۰۰۰: ۹۵).

اریک اسلانر (۲۰۰۲: ۶-۲) با تقسیم بندی اعتماد به دو دسته تجربی و اخلاقی معتقد است که اعتماد تجربی مبتنی بر دانش و شناخت ریسک از قبل در ارتباط با افرادی است که آنها را می‌شناسیم. اما اعتماد اخلاقی به عنوان شالوده اعتماد عام در ارتباط با افرادی است که آنها را نمی‌شناسیم و بیشتر افراد را در ارزشهای اخلاقی اساسی سهیم و مشترک می‌دانیم. بنابراین، دیدگاه تجربی اعتماد بر آنست که پیشینه خانوادگی و قومی بر اعتمادسازی روزمره موثر نمی‌باشد در مقابل زندگی در میان افرادی که بطور صادقانه رفتار می‌کنند در اعتماد سازی موثر می‌باشد. اما از دیدگاه فرهنگی، افرادی می‌توانند اعتماد ورزند که در اوایل زندگی از طریق والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ و نسل‌های قبل‌تر و مدرسه، اعتماد ورزی را یاد گرفته باشند. این نگاه اعتماد ورزانه غالباً در تمام زندگی فرد ثابت است. این رهیافت بر آن است که اعتماد ریشه‌های فرهنگی عمیقی دارد که در سراسر زمان و فضا تداوم می‌یابد. بنابراین، این دیدگاه بیشتر بر پیشینه افراد تأکید می‌کند و توجهی به اینکه افراد در یک محیط دارای میزان اعتماد اجتماعی بالا یا پایین می‌زیند، ندارد. مطابق این دیدگاه میراث فرهنگی مشترک (سنت‌های قومی، حیات مذهبی و عقاید مسلط یک گروه نسبت به افراد بیرون از گروه) از طریق جامعه‌پذیری در خانواده بر اعتماد موثر می‌باشد. اسلانر همچنین معتقد است هنگامی که هویت درون‌گروهی (در گروه‌های مذهبی و قومی) نیرومند باشد اعتماد اجتماعی بین گروهی و عام کاهش می‌یابد همچنین اعتماد درون‌گروهی بالا میزان اعتماد عام یا بین‌گروهی را کاهش می‌دهد (اسلانر، ۲۰۰۳: ۸-۲).

بر مبنای تحقیقات انجام گرفته و نظریه‌های بحث شده می‌توان در سطح خرد (فردی)، میزان اعتماد بین قومی در جوامع ناهمگون و چند فرهنگ را به عنوان یک پدیده اجتماعی، متأثر از عوامل متعددی دانست که مهمترین آنها عبارتند از: هویت قومی، قوم‌مداری، میزان

تعامل اجتماعی، احساس تبعیض، باورهای کلیشه‌ای و پیش‌داوریها نسبت به برون قوم، میزان اعتماد سیاسی (سازمانی) و اعتماد عام. براین اساس، در این مطالعه مدل تحلیلی و فرضیه‌های زیر مطرح و آزمون می‌شوند.

مدل تحلیلی



فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد میان قوم مداری و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان احساس تبعیض و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس هویت درون‌گروهی - قومی افراد و فرهنگ اعتماد بین قومی آنها رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تصورات قالبی و فرهنگ اعتماد بین قومی آنها رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان اعتماد درون قومی و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان اعتماد سیاسی و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.

- به نظر می‌رسد میان اعتماد عام و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان تعامل اجتماعی مستمر بین اقوام و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سن افراد و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جنس افراد و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مذهب افراد و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی افراد و فرهنگ اعتماد بین قومی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر با هدف مطالعه‌ی عوامل اجتماعی موثر بر اعتماد بین قومی به روش پیمایش انجام گرفته است. واحد مشاهده فرد بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

جمعیت و نمونه

جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق دانشجویان کارشناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران سابق) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بودند که شمار آنها ۴۰۰۰ نفر بود. براساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۵۰ نفر محاسبه شد که برای بالابردن دقت و پوشش سئوالات بی پاسخ و یا پاسخ ناقص، حدود ۱۵ درصد به حجم نمونه اضافه شد و به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری، به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود از دانشکده‌ها تا گروه‌های آموزشی و کلاس‌ها بود.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

اعتماد بین قومی^۱: همانطور گفته شد اعتماد در بین اقوام در دو بعد تجربی (استراتژیک) و فرهنگی (اخلاقی) قابل مطالعه است. اعتماد تجربی بین قومی عبارت است از حسن ظن اعضای یک قوم نسبت به سایر اقوام با این انتظار که آنها به گونه‌ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل کاهش یافته و دستیابی به اهداف میسر گردد. اما بعد فرهنگی اعتماد بین قومی تابع ارزشها و هنجارهای مشترک و مبتنی بر پذیرش آداب غیررسمی اخلاقی، علائم، نمادها، باورها و میراث گروه خودی است که در چهارچوب نظام‌های اجتماعی روابط افراد را تعریف می‌کند. برای سنجش اعتماد بین قومی افراد در سطح فرهنگی، از شاخص‌هایی چون صداقت و راستگویی، پذیرش (احترام به دیگران)، توجه به منافع دیگران (دگر خواهی)، یکرنگی و عدم دورویی، صراحت در گفتار، امانت داری و وفای به عهد، انصاف، خیر اندیشی در روابط بین قومی استفاده شده است (آلفای کرونباخ، ۰/۸۶).

اعتماد سیاسی^۲: از دیدگاه میلر^۳، اعتماد سیاسی بنیادی‌ترین گرایشات عاطفی و ارزیابی کننده فرد نسبت به نظام سیاسی و حکومت می‌باشد. و دامنه آن از اعتماد شدید تا بدگمانی سیاسی یا بی اعتمادی شدید نوسان دارد (میلر، ۱۹۷۴: ۲۵۲). برای سنجش اعتماد سیاسی به مسئولان سازمان‌های دولتی از شاخص‌های تدبیر و دور اندیشی برای حل مشکلات کشور، تخصص و مهارت لازم برای انجام وظایف، تجربه و پختگی کافی برای انجام وظایف، استفاده درست از امکانات موجود کشور، احساس وظیفه و دلسوزی جدی برای مردم، صداقت و درستکاری، عمل به وعده‌ها، پذیرش انتقاد و راه حل‌های جدید، فساد اقتصادی و حیف و میل و بطور کلی اعتماد نسبت به عملکرد مسئولان کشور استفاده شده است (آلفای کرونباخ، ۰/۹۴).

اعتماد عام^۴: اعتماد اجتماعی عام عبارت است از حسن ظن فرد نسبت به سایر افراد و نهادهای جامعه (کافی، ۱۳۷۵: ۱۲۲). برای سنجش اعتماد عام از شاخص‌هایی چون قابل اعتماد بودن اکثریت اعضای جامعه، تعامل با افراد غریبه، امانت داری، صداقت، احترام متقابل، انصاف، توجه و پایبندی به حقوق دیگران، یک رویی و یک رنگی، قابلیت پیش بینی در گفتار و رفتار، اعتماد در معاملات، اعتماد به وعده‌های افراد در تعامل با یکدیگر استفاده شده است (آلفای کرونباخ، ۰/۶۹).

1. Interethnic trust

2. Political trust

3. Miller

4. Generalized trust

هویت قومی^۱: هویت قومی نوعی هویت جمعی مبتنی بر دوگانگی ذهنی «ما-آنهاست» یعنی یک جزء آن این است که اعضای قوم (درون قوم) خود را چطور می‌بینند و جزء دیگر آن این است که دیگران (برون قوم) اعضای قوم را چطور می‌بینند (چلبی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۷). برای سنجش هویت قومی از شاخص‌های چون افتخار و مباهات به زبان، رسم و رسومات قومی، شعرا و افراد سرشناس قوم، مبارزان قومی و تلاش افراد برای زنده نگه داشتن قوم شان استفاده شده است (آلفای کرونیباخ، ۰/۸۱).

قوم مداری^۲: قوم مداری به معنای تمایل به در نظر گرفتن روشهای فکری و رفتاری گروه خود به عنوان معیارهای عام است. برای این مفهوم دو وجه می‌توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به برتر دانستن گروه خودی و دیگری تحقیر و طرد ارزشهای گروه‌های دیگر است تا فاصله اجتماعی اش را از برون گروه‌ها حفظ کند (شارون، ۱۳۷۹: ۳۰). برای سنجش قوم مداری از شاخص‌هایی نظیر اعتقاد افراد به شایستگی، باهوش بودن، پرکار بودن، شجاع بودن و برتر بودن و داشتن بهترین رسم و رسومات قوم شان نسبت به سایر اقوام استفاده شده است (آلفای کرونیباخ، ۰/۹۱).

احساس تبعیض^۳: منظور از تبعیض این است که اعضای گروه قومی به شکلی نظام مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی برابر و کالاهای اقتصادی مطلوب در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه اشان، محدود بوده و یا هستند (گر، ۱۳۸۱: ۴۰۲). احساس تبعیض قومی براساس شاخص‌هایی نظیر توجه و احترام یکسان حکومت به تمام اقوام و منافع شان تأثیر اقوام روی موفقیت‌های فردی مورد سنجش قرار گرفته است (آلفای، کرونیباخ: ۰/۷۱).

پیشداوری و تصورات قالبی^۴: دو مقوله پیشداوری و تصورات قالبی بعضاً ناظر بر تعمیم‌های تعمیم‌های ناروا نسبت به افراد، گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی و غیر خودی است که نحوه برخورد گروه‌های خودی را نسبت به دیگران شکل می‌بخشد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱۲-۲۰۸). برای سنجش این متغیر از افراد خواسته شد برای هر قوم چند تا صفت رایج در جامعه را نام ببرند.

1. Ethnical identity

2. Ethnocentrism

3. Feeling of discrimination

4. Prejudice/ Stereotypes

تعامل اجتماعی^۱: به هرگونه فعالیتی دلالت می‌کند که در نتیجه گرایش‌های فکری سازمان می‌یابد و رو به سوی هدفی دارد. فعالیت از سوی یک یا چند شرکت کننده‌ای که موضوع یا مفعولی برای خودشان یا خود به شمار می‌روند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۰۹). به عبارتی تعامل اجتماعی دلالت دارد بر تأثیر دو جانبه اعمال اشخاص و گروه‌ها که معمولاً به واسطه ارتباط یا تفاهم پدید می‌آید. برای سنجش این متغیر از شاخص‌هایی مانند تمایل دانشجویانی از یک قوم به مشارکت و همکاری با دانشجویانی از اقوام دیگر در فعالیت‌های اقتصادی، انجمن‌های علمی، فرهنگی و سیاسی، معاشرت با دانشجویانی از اقوام دیگر در خوابگاه و هم اتاق شدن و دوست شدن با آنها و مشورت و همفکری با دانشجویان اقوام دیگر در زمینه‌های علمی- فرهنگی استفاده شده است.

متغیرهای زمینه‌ای نیز شامل سن، جنسیت، مذهب و پایگاه اجتماعی-اقتصادی (برحسب میزان درآمد، منزلت شغلی، میزان تحصیلات) پاسخگویان می‌باشد. داده‌های مربوط به این متغیر در بخش پیوست، در جدول (۷) آمده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرهای تحقیق

اعتماد بین قومی (بعد فرهنگی)

جدول ۱: میانگین اعتماد بین قومی و درون قومی اقوام چهارگانه بر حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰

گروه‌ها	آذری	فارس	کرد	لر
آذری	۷۱/۱۲	۵۱/۷	۵۱/۲	۵۱/۴۴
فارس	۵۶/۳۳	۵۹/۸	۴۸/۱	۵۱/۲
کرد	۴۷/۴۲	۴۷/۸۳	۶۶/۵۸	۴۸/۶۴
لر	۵۲/۶۲	۴۷/۲	۵۴/۰۹	۷۵/۱۲

همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین اعتماد بین قومی آذری‌ها به اقوام فارس، کرد و لر در حد متوسط (۵۰ درصد) می‌باشد و به هر سه قوم به یک میزان اعتماد دارند. همچنین بیشترین میزان اعتماد فارس‌ها به آذری‌ها (۵۶ درصد) و پس از آن لرها (۵۲)

^۱. Social interaction

درصد) و کمترین میزان اعتماد آنها به کردها (۴۸ درصد) می‌باشد. میانگین اعتماد بین قومی لرها نسبت به اقوام آذری، فارس و کرد نیز در حد متوسط (۵۱/۲۸ درصد) است. اما میانگین اعتماد بین قومی کردها نسبت به آذری‌ها، فارس‌ها و لرها پایین‌تر از حد متوسط (۴۵/۹۶ درصد) می‌باشد.

در مجموع اعتماد بین قومی همه اقوام نسبت به یکدیگر در حد متوسط است و نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها بر اساس آزمون‌های شفه نشان داد که در بین چهار قوم آذری، فارس، کرد و لر به لحاظ میزان اعتماد بین قومی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بر اساس آزمون LSD تفاوت میانگین اعتماد بین قومی درمیان کردها و لرها در حدود ۷ بوده و معنادار می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد لرها بالاترین میزان اعتماد درون قومی (۷۵/۱۲ درصد) و فارس‌ها پایین‌ترین میزان اعتماد درون قومی (۵۹/۸ درصد) را دارند. دلیل این اعتماد درون قومی فارس‌ها در مقایسه با سایر اقوام، ممکن است فردگرایی بیشتر و قرار داشتن در موقعیت اکثریتی باشد که باعث فقدان احساس هویت قومی و قوم‌گرایی می‌شود. با وجود میانگین اعتماد در درون خود گروه‌های قومی چهارگانه (آذری، فارس، کرد و لر) بالاتر از حد متوسط (۵۰ درصد) می‌باشد و این میزان بالای اعتماد درون گروهی، میزان بالای احساس تعلق و دلبستگی به عناصر هویت قومی در جامعه چند قومی ایران را نشان می‌دهد.

توصیف متغیرهای مستقل: متغیرهای مستقل این تحقیق شامل ویژگی‌های جمعیتی، احساس هویت قومی، قوم‌مداری، اعتماد سیاسی، اعتماد عام، اعتماد درون قومی، تعامل مستمر، احساس تبعیض، تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای می‌باشد.^۱

همانطور که جدول (۲) نشان می‌دهد، میانگین‌های احساس هویت قومی در بین همه اقوام بالا (حدود ۸۰ از ۱۰۰) است و در بین فارس‌ها اندکی کمتر از بقیه است. همچنین بالاترین میزان قوم‌مداری (۵۰ درصد) از آن لرها و پایین‌ترین میزان آن (۴۱) متعلق به فارس‌هاست. از نظر اعتماد سیاسی، پاسخگویان از همه اقوام، اعتماد کمی نسبت به مسئولان دولتی داشتند (میانگین حدود ۳۰ از ۱۰۰) به لحاظ اعتماد عام، میانگین آن کمتر از حد متوسط است و بیشترین میزان (۴۱/۳۴ درصد) مربوط به لرها و کمترین آن (۳۵/۸۱ درصد) مربوط به کردها می‌باشد.

^۱ ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان در جدول پیوست آمده است.

احساس تبعیض قومی، در میان اقوام چهارگانه بالاتر از حد متوسط می‌باشد و کردها از این نظر کاملاً متمایز از سایر اقوام می‌باشند و بیشترین میانگین احساس تبعیض (۷۶٪ از ۱۰۰) را دارند. همچنین میانگین آشنایی بین قومی فارس‌ها (۳۸/۰۵ درصد) کمتر از بقیه‌ی اقوام است اما در تعامل بین قومی فارس‌ها تعامل بیشتری با بقیه‌ی اقوام دارند (۲۵/۹۷٪ از ۱۰۰) اما سه قوم دیگر وضع مشابهی دارند و میانگین آنها حدود ۱۵ است. به نظر می‌رسد تفاوت فارس‌ها با سایر اقوام در زمینه برخی از شاخص‌های مربوط به هویت قومی و روابط قومی را بتوان با شرایط اکثریت بودن آنها تا حدی تبیین کرد.

جدول ۲: میانگین متغیرها به تفکیک اقوام چهارگانه (تعداد پاسخگو=۴۰۰)

متغیرها اقوام	میانگین توزیع متغیرها بر حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰					
	هویت قومی	قوم مداری	اعتماد سیاسی	اعتماد عام	احساس تبعیض	آشنایی بین قومی
آذری	۸۱/۰۸	۵۱/۱۲	۲۸/۲۵	۳۹/۰۲	۵۷/۸۱	۴۵/۶۹
فارس	۷۷/۰۲	۴۱/۶۴	۳۵/۴۴	۳۸/۱۳	۵۱/۱۲	۳۸/۰۵
کرد	۸۱/۲۷	۵۴/۶۰	۳۱/۰۹	۳۵/۸۱	۷۶/۷۱	۴۸/۸۷
لر	۸۳/۶۵	۵۶/۱۱	۳۳/۶۵	۴۱/۳۴	۵۴	۵۲/۸۸

تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای

در جدول ۳: توزیع درصدی تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای (مثبت و منفی) افراد هر قوم نسبت به خود و سایر اقوام آمده است. در جدول مذکور تصورات افراد نسبت به قوم خود با رنگ سفید مشخص شده است.

جدول ۳: توزیع درصدی تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای اقوام نسبت به یکدیگر (تعداد

پاسخگو=۴۰۰)

ردیف	طبقات	آذری‌ها		فارسها		کردها		لرها	
		تصورات مثبت	تصورات منفی	تصورات مثبت	تصورات منفی	تصورات مثبت	تصورات منفی	تصورات مثبت	تصورات منفی
۱	آذری	۸۸/۳	۱۱/۷	۴۵/۴	۵۹/۶	۳۶/۸	۶۳/۲	۴۱/۸	۵۸/۲
۲	فارس	۵۲/۵	۴۴/۵	۷۸/۴	۲۱/۶	۳۶/۴	۶۳/۶	۴۰/۹	۵۹/۱
۳	کرد	۲۸/۴	۶۱/۴	۳۵	۶۵	۵۷/۱	۴۲/۹	۲۶	۷۴
۴	لر	۳۸/۵	۵۷	۳۸/۵	۶۵/۵	۴۲/۳	۵۷/۷	۷۵	۲۵

نتایج تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای حاکی از آن است که در بین ۳ قوم آذری، فارس و لر تصور قالبی مثبت نسبت به خود بالا و بیش از ۷۵٪ از صد است، در حالیکه کردها ضعیف‌ترین تصور قالبی مثبت نسبت به خود را دارند (۵۷٪)، این تصور در بین آذری‌ها بیش از همه است (۸۸٪) اما در خصوص تصورات قالبی منفی نسبت به دیگر اقوام، میانگین تصور قالبی همه اقوام نسبت به یکدیگر بالا و حدود ۶۰ تا ۶۵٪ از ۱۰۰٪ است. در این بین دو استثنا وجود دارد. تصور قالبی منفی لرها نسبت به کردها بالاتر از همه و حدود ۷۴٪ است و ترک‌ها تصور قالبی منفی شان نسبت به فارس‌ها کمتر از همه (۴۴٪ از ۱۰۰٪) است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کلیشه‌ها و تصورات قالبی منفی در بین اقوام ایرانی نسبتاً بالاست.

تحلیل داده‌ها

رابطه‌ی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (اعتماد بین قومی)

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	هویت قومی	احساس قوم مداری	احساس تبعیض	تصورات قالبی مثبت	اعتماد سیاسی	اعتماد عام	آشنایی بین قومی	اعتماد درون قومی	تعامل بین قومی
اعتماد بین قومی	$r = 0/10$	$r = 0/11$	$r = 0/19$	$r = 0/40$	$r = 0/22$	$r = 0/22$	$r = 0/02$	$r = 0/22$	$r = 0/14$
	$\text{sig} = 0/04$	$\text{sig} = 0/03$	$\text{sig} = 0/00$	$\text{sig} = /000$	$\text{sig} = 0/000$	$\text{sig} = /000$	$\text{Sig} = 0/6$	$\text{sig} = 0/00$	$\text{Sig} = 0/004$

بر اساس اطلاعات جدول (۴) بین اعتماد بین قومی و متغیرهای احساس هویت قومی، احساس تبعیض، اعتماد سیاسی، اعتماد عام، اعتماد درون قومی و تعامل بین قومی رابطه‌ی معنادار ضعیفی وجود دارد (ضریب همبستگی ۰/۱۰ تا ۰/۲۲) قوی‌ترین رابطه مربوط به اعتماد بین قومی و تصورات قالبی است (آر پیرسون ۰/۴۰) که در حد متوسط است و آشنایی بین قومی رابطه‌ی معناداری با اعتماد بین قومی ندارد. رابطه بین هویت قومی، قوم‌مداری و آشنایی بین قومی با اعتماد بین قومی خلاف انتظار تئوریک بود و فرضیه‌های مطرح شده رد شدند. یعنی در حالی که انتظار می‌رفت این متغیرها

رابطه‌ی منفی با اعتماد بین قومی داشته باشند، رابطه‌ی آنها مثبت یا معنی دار نبود. جهت رابطه‌ی سایر متغیرها با اعتماد بین قومی با انتظار تئوریک همخوان بود و فرضیه‌های مورد نظر تایید شدند.

رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته

جدول ۵: آزمون رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته (اعتماد بین قومی)

مذهب	جنسیت	سن	پایگاه اجتماعی اقتصادی			متغیرهای زمینه‌ای		
			پایین	متوسط	بالا	متغیر وابسته	اعتماد بین قومی	
T=2/58 Sig=0/01	T=1/57 Sig=0/1	r=-0/02 sig=0/7	$\chi^2=3/4$ Sig=0/5	۰	۱/۸	۰/۷	پایین	اعتماد بین قومی
				۷۰/۴	۷۸	۷۳	متوسط	
				۲۹/۶	۲۰	۲۶	بالا	
				۲۷	۲۲۰	۱۴۶	کل	

در جدول شماره (۵) می‌توان رابطه‌ی بین دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و اعتماد بین قومی افراد را ملاحظه نمود. بر اساس داده‌های این تحقیق بین پایگاه، سن و جنس با اعتماد بین قومی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. تنها متغیر مذهب با اعتماد بین قومی رابطه داشت و افراد متعلق به مذهب شیعه با میانگین ۷۳/۵۴ بیش از افراد متعلق به مذهب سنی (میانگین ۶۸/۵) به سایر قومیت‌ها اعتماد داشتند. تفاوت دو مذهب ممکن است ناشی از تفاوت قومیت باشد زیرا تقریباً همه افراد سنی مذهب در این تحقیق دارای قومیت کرد بودند.

تحلیل چند متغیری

رگرسیون چند گانه برای شاخص اعتماد بین قومی

برای پیش بینی اعتماد بین قومی مجموعه متغیرهای ششگانه (هویت قومی، قوم مداری، احساس تبعیض، تصورات کلیشه‌ای و اعتماد عام و سیاسی) در ارتباط با فرهنگ اعتماد بین قومی باروش اینتر وارد معادله رگرسیون شدند. درجدول زیر (۶) مقادیر بتا که نشان دهنده

تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر اعتماد بین قومی می باشد به همراه با ضریب تعیین و ضریب همبستگی چند گانه آمده است.

جدول ۶: رگرسیون چند گانه برای بعد فرهنگی اعتماد بین قومی

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
۵۱/۴۴۶۱۹	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۵۵(a)	1
	Sig	Beta		متغیر
	۰/۰۰			Constant
	۰/۰۵	۰/۱۰		اعتماد سیاسی
	۰/۰۴	۰/۱۰		اعتماد عام
	۰/۵	- ۰/۰۳		احساس هویت قومی
	۰/۰۱	-۰/۱۴		قوم مداری
	۰/۳	۰/۰۴		تعامل بین قومی
	۰/۰۰۰	۰/۳۶		تصورات قالبی مثبت
	۰/۰۰۰	۰/۲۷		اعتماد درون قومی
	۰/۱	-۰/۰۷		احساس تبعیض قومی

بر اساس نتایج رگرسیون چند گانه، ضریب همبستگی چند گانه برای متغیر اعتماد بین قومی ۰/۵۵ می باشد. به این معنا که چهار متغیر اعتماد عام، اعتماد سیاسی، تصورات قالبی و باورهای کلیشه ای به میزان ۰/۵۵ با اعتماد بین قومی همبستگی دارند. ضریب تعیین (واریانس تبیین شده) نیز ۰/۳۰ و ضریب تعیین تعدیل شده آن برابر با ۰/۲۸ می باشد. به این ترتیب متغیرهای فوق ۰/۲۸ درصد کل واریانس اعتماد بین قومی را تبیین می کنند. بنابراین به ترتیب متغیر تصورات قالبی با بتای ۰/۳۶، اعتماد درون قومی (۰/۲۷)، قوم مداری (-۰/۱۴) اعتماد عام و اعتماد سیاسی (۰/۱۰) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد بین قومی دارند و متغیرهای احساس هویت قومی، احساس تبعیض قومی و تعامل بین قومی در کاهش یا افزایش اعتماد بین قومی مؤثر نمی باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میانگین اعتماد بین قومی در بین اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر در حد متوسط (۵۰ درصد) می باشد. اما نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد کردها از کمترین اعتماد بین قومی و به ترتیب فارس‌ها، لرها و آذری‌ها از بیشترین اعتماد بین قومی (بعد فرهنگی) برخوردارند. اما با این حال آذری‌ها به همه اقوام، فارس‌ها به آذری‌ها و لرها، و لرها به آذری‌ها و کردها در حد متوسط اعتماد دارند و فارس‌ها کمتر از حد متوسط به کردها، و کردها نیز کمتر از حد متوسط به همه اقوام به ویژه فارس‌ها اعتماد دارند. بنابراین بی‌اعتمادی فارس‌ها و کردها دو طرفه می باشد. این میزان از اعتماد بیانگر نوعی اعتماد نسبتاً انحصاری (اعتماد به درون قوم و بی اعتمادی نسبت به برون قوم) در بین کردها و اعتماد نسبتاً در برگیرنده (اعتماد هم به درون گروه و هم به برون گروه) در بین سایر اقوام به ویژه آذری‌ها می باشد. این مسأله ممکن است گویای روابط مبتنی بر منازعه اقوام کرد و لر با قوم فارس در گذشته و تعارض آنها با پان فارسیسم و سیاسی شدن مسأله قومیت‌ها در دوره پهلوی باشد.

بنابراین این یافته موید دیدگاه‌های پوتنام (۱۹۹۵)، لومان (۱۹۷۹)، فوکویاما (۱۳۸۴)، زتومپکا (۲۰۰۰) و اوسلانر (۲۰۰۲) می‌باشد مبنی بر اینکه سرمایه‌ی اجتماعی متأثر از نژاد و قومیت بوده و در درون گروه‌های همبسته و در یک دنیای آشنا نسبت به گروه‌های اتصالی و برون گروه و نا آشنا قوی تر است.

همچنین نتایج تحقیق حاضر دستاورد محققانی چون نک و کی فیر (۱۹۹۷)، الینا و فرارا (۲۰۰۰)، پنانت (۲۰۰۵)، هاکنسون و سوهلم (۲۰۰۵)، بهرای و همکاران (۲۰۰۵)، لی (۲۰۰۶)، اسلانر (۲۰۰۶) و فالک وزاندر (۲۰۰۷) و وارد و همکاران (۲۰۰۷) را مبنی بر تأثیر کاهنده ناهمگونی قومی روی سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد تأیید و نتایج تحقیقات لیتکی (۲۰۰۴)، سوروکا و همکاران (۲۰۰۵) و آیزلیوود و همکاران (۲۰۰۵) را مبنی بر عدم تأثیر قومیت روی اعتماد رد می‌نماید.

از نظر احساس تبعیض قومی، کردها نسبت به سایر اقوام بیشترین و فارس‌ها کمترین میزان احساس تبعیض قومی را ابراز داشته‌اند. اما از نظر تصورات قالبی و باورهای کلیشه‌ای، یافته‌ها حاکی از آن است بیشترین تصورات قالبی مثبت را اعضای هر قوم درباره قوم خود و بیشترین تصورات قالبی منفی را در باره اقوام دیگر دارند. یعنی حدود نیمی تا سه چهارم افراد هر قوم نسبت به سایر اقوام دارای تصورات قالبی منفی می‌باشند. این امر می‌تواند از ناکامی‌ها و شکست‌های اقتصادی و سیاسی، عدم دسترسی به اطلاعات کافی و صحیح، سنت‌ها و آداب و رسوم و فاصله جغرافیایی و عملکرد گروه‌های نظامی و سیاسی در منطقه محل سکونت

اقلیت‌های قومی نشأت گرفته باشد؛ که به صورت جوک‌های بین قومی نسل به نسل منتقل گردیده است. این تصورات قالبی منفی شکاف و فاصله بین اقوام را عمیق تر می‌کند و موجب فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود.

مقایسه دانشجویان اقوام چهارگانه به لحاظ میزان آشنایی بین اقوام مختلف بیانگر اینست که بیش از دو سوم اقوام چهارگانه با فرهنگ قوم فارس آشنایی دارند و این خود در نتیجه اشاعه فرهنگ مسلط فارسی از طریق آموزش و پرورش رسمی به زبان فارسی، رسانه‌های گروهی و تراکم زیاد جمعیت فارس ها در مجاورت مناطق اقلیت نشین می‌باشد. با این حال بالاترین میزان آشنایی بین قومی متعلق به لرها و پایین ترین مربوط به فارس‌ها می‌باشد که با فرهنگ اقلیت‌های قومی چندان آشنا نیستند. بطورکلی اقلیت‌های قومی کمتر با فرهنگ یکدیگر آشنایی دارند، درحالی که بیشترین شناخت شان از فرهنگ مسلط می‌باشد.

نتایج یافته‌های تبیینی در مورد رابطه بین متغیرهای زمینه ای و متغیر وابسته (فرهنگ اعتماد بین قومی) حاکی از آن است که بین متغیرهای سن، جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی با اعتماد بین قومی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. اما مذهب پاسخگویان با اعتماد بین قومی رابطه دارد. پاسخگویان دارای مذهب سنی که اغلب کرد زبان هستند نسبت به افراد شیعه مذهب که در اکثریت هستند از اعتماد بین قومی پایین تری برخوردارند. می‌توان گفت همراهی تفاوت قومی و مذهبی اعتماد بین قومی را تضعیف کرده است.

اما یافته‌های این پژوهش درمورد متغیرهای مرتبط با اعتماد بین قومی حاکی از همبستگی هر چند ضعیف بین دو متغیر احساس هویت قومی و قوم مداری با اعتماد بین قومی است. این یافته، با یافته‌های بهرای و همکاران (۲۰۰۵)، وارد و همکاران (۲۰۰۷) و با دیدگاه‌های اسلانر (۲۰۰۲) مبنی بر تأثیر کاهنده هویت قومی بر اعتماد بین قومی مطابقت دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که هرچه اعتماد عام (حسن ظن نسبت به افراد غریبه) و اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان حاکم و مسئولان دولتی) بیشتر باشد، اعتماد به سایر اقوام جامعه نیز بیشتر می‌باشد. این یافته نیز با دستاورد تحقیقات بهرای و همکاران (۲۰۰۵) و اسلانر (۲۰۰۲) مبنی بر اثر فزاینده اعتماد عام و اعتماد سیاسی روی اعتماد بین قومی مطابقت دارد اما با نتایج تحقیقات آیزلیوود و همکاران (۲۰۰۵) را درباره عدم ارتباط اعتماد عام و اعتماد سیاسی با اعتماد بین قومی هماهنگ نیست. می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط سیاسی و تاریخی جامعه ایران، اعتماد یک مفهوم عام است و ابعاد سیاسی و قومی آن نیز با هم مرتبط هستند.

احساس تبعیض قومی هم با اعتماد بین قومی همبستگی معکوسی دارد. بدین معنا که هرچه اقوام به لحاظ عدالت توزیعی ذهنی و عینی در توزیع منابع، ثروت، قدرت، منزلت و دانش بیشتر احساس تبعیض داشته باشند، کمتر به اقوام دیگر اعتماد دارند؛ اما رابطه‌ی دو متغیر مذکور ضعیف می‌باشد. این یافته نیز نتایج تحقیقات نک و کی فیر (۱۹۹۷)، السینا و فرارا (۲۰۰۰)، لی (۲۰۰۶)، اوسلانر (۲۰۰۶) و فالک وزاندر (۲۰۰۷) را در خصوص تأثیر احساس تبعیض افراد روی اعتماد بین قومی تأیید می‌نماید.

تصورات قلبی و باوهای کلیشه‌ای نسبت به اقوام دیگر نیز با اعتماد بین قومی رابطه دارند؛ یعنی هرچه اقوام نسبت به یکدیگر تصورات مثبت تری در ذهن داشته باشند، بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند و برعکس. بنابراین تصورات قلبی و باورهای کلیشه‌ای که در سنت‌ها و میراث قومی نهفته است بر اعتماد بین قومی تأثیر می‌گذارد. یعنی دانشجویان نه از راه تجربه تعامل مستمر و آشنایی با افراد متعلق به قوم خاصی بلکه از طریق باورهای مسلط در سنت قومی با آنها رابطه برقرار می‌کنند. بنابراین پاک شدن تصورات منفی قومی مستلزم فرهنگ سازی و افزایش تعاملات و آشنایی‌های بین قومی می‌باشد. این یافته نیز دستاوردهای محققانی چون بهرای و همکاران (۲۰۰۵)، اوسلانر (۲۰۰۲) و زتومپکا (۲۰۰۰) را درباره تأثیر تصورات قلبی و عقاید مسلط در بین اعضای یک قوم روی اعتماد بین قومی تأیید می‌نماید.

رابطه بین اعتماد درون قومی و اعتماد بین قومی همبستگی معناداری مشاهده شد. بدین معنا که هرچه دانشجویان اقوام مختلف به اعضای قوم خود بیشتر اعتماد داشته باشند، به دانشجویان اقوام دیگر نیز اعتماد دارند. بنابراین لزوماً اعتماد درون گروهی مانع شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد در بین گروه‌های قومی دیگر نمی‌باشد. اما این رابطه که چندان قوی نمی‌باشد، با یافته‌های بهرای و همکاران (۲۰۰۵)، پوتنام (۱۹۹۵)، لومان (۱۹۷۹)، فوکویاما (۱۳۸۴) و اوسلانر (۲۰۰۲) مطابقت دارد.

بین تعامل بین قومی با فرهنگ اعتماد در بین اقوام نیز رابطه‌ی معناداری به لحاظ آماری مشاهده شد. بدین معنا که هرچه میزان تعامل اقتصادی، اجتماعی (از قبیل وصلت‌های بین قومی)، فرهنگی (تبادلات فکری، علمی و...) و سیاسی بین اقوام بیشتر باشد، اعتماد بین قومی نیز افزایش می‌یابد. اما رابطه بین دو متغیر مذکور ضعیف می‌باشد. این یافته نیز موید دستاورد اوسلانر (۲۰۰۶)، سوروکا و همکاران (۲۰۰۵)، بهرای و همکاران (۲۰۰۵)، و نظریات کلاوس اوفه و رابرت پوتنام (۱۹۹۵) در خصوص تأثیر تعامل مستمر روزانه روی اعتماد بین قومی می‌باشد.

نتیجه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی فرهنگ اعتماد بین قومی توسط متغیرهای مستقل نشان داد که به ترتیب متغیرهای تصورات قالبی، اعتماد درون قومی، اعتماد عام، اعتماد سیاسی و قوم مداری به میزان ۰/۵۵ با اعتماد بین قومی همبستگی دارند و ۲۸ درصد کل واریانس اعتماد بین قومی را تبیین می‌کنند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اعتماد بین قومی در شرایط تاریخی فرهنگی ایران می‌تواند بعدی از اعتماد عام به حساب آید و با اعتماد سیاسی و اعتماد درون قومی هم مرتبط است. در عین حال تصورات قالبی منفی قومیتی و نگرش‌های قوم مدارانه مبنی بر متمایز و برتر دانستن قوم خود به اعتماد بین قومی لطمه می‌زند. در نتیجه، برای بهبود روابط بین قومی که به تقویت هویت و همبستگی ملی کمک می‌کند، لازم است برنامه‌هایی برای تقویت اعتماد سیاسی تدارک دیده شود و با افزایش تعاملات قومی و برنامه‌های فرهنگی مبتنی بر احترام به میراث و فرهنگی همه اقوام ایرانی، نگرش‌های قوم مدارانه و تصورات منفی قومیتی تعدیل شوند.



منابع

۱. آبراهمیان، پروانه. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی. تهران: نشر نی.
۲. امیر کافی، مهدی. (۱۳۷۵). *اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن* (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی).
۳. بشیریه، حسین. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
۴. تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
۵. چلبی، مسعود. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه‌ی هویت‌های قومی با هویت ملی* (دفتر امور اجتماعی وزارت کشور).
۶. رضایی، احمد و احمدلو، حبیب. (۳۸۴). *نقش سرمایه‌ی اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی*، (بررسی جوانان تبریز و مهاباد). *فصلنامه مطالعات ملی*، ۶(۴)، ۳۴-۷.
۷. شارون، جوئل. (۱۳۷۹). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۸. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظری اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۹. گر، تد رابرت. (۱۳۸۱). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. گولد، جولیس و کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه گروهی از مترجمان. تهران: انتشارات مازیار.
۱۱. مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها*. تهران: موسسه مطالعات ملی.
۱۲. یوسفی، علی. (۱۳۸۰). *طبقه ندی اجتماعی اقوام در ایران*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۹)، ۲۰۱-۲۱۴.
۱۳. یوسفی، علی و اصغر پورماسوله، احمدرضا. (۱۳۸۸). *قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران*. *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۱۱(۱)، ۱۴۴-۱۲۵.
۱۴. یوسفی، علی و چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). *آشنایی بین قومی در ایران، تحلیل ثانویه بر نتایج طرح مطالعاتی هویت قومی و رابطه‌ی آن با هویت جامعه‌ای* (سلسله مقالات پژوهشی (۱)، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور).

15. Aizlewood, A. & Pendakur, R. (2005.). Ethnicity and Social Capital Canadian. *Canadian Ethnic Studies*, 37(2), 1-25.
16. Alesina, A. & La Ferrara, E. (2000). *Who trusts others?*. *Journal Public Economic*, 85(2), 207-234.
17. Bahray, D., Kosolapov, M., Kozyreva, P. & Wilson, R. K. (2005). Ethnicity and Trust : Evidence From Russia. *The American Political Science Review*, 99 (4), 521-532.
18. Falk, A. & Zehnder, C. (2007). *Discrimination and In – Group Favoritism in Citywid Trust Experiment*. (IZA, Working paper NO. 318 Institute for Empirical Research in Economics, University of Zurich).
19. Hakansson, P. & Sjöholm, F. (2005). Who do you trust? Ethnicity and Trust in Bosnia and Herzegovina. *European Institute of Japanese Studies*.
20. Knack, S. & Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic payoff? a cross-country investigation. *Quarterly Journal of Economics*, 112(4), 1251-1288.
21. Leigh, A. (2006). *Trust inequality and ethnic heterogeneity*. Analysis and Research Centre. Research School of Social Sciences, Australian National University Press.
22. Letki, N. (2004). *Does diversity erode social cohesion? social capital and race in British neighbourhoods*. Institute of Public Policy Research.
23. Luhmann, N. (1979). *Trust and power*. Towworks by Niklas Luhmann. pitman press.
24. Miller, A. H. (1974). Political issues and trust in Government: 1964-1970. *American Political Science Review*, 68, 951-972.
25. Newton, K. (1999). *Social capital and democracy in modern Europe*. In Jan van Deth, Marco Maraffi, Ken Newton and Paul Whiteley (eds.) *Social Capital and European Democracy*. London: Routledge, 3-24.
26. Offe, C. (1999). How can we trust our Fellow Citizens?. In Warren, Mark E (ed) *Democracy and Trust*. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Penant, R. (2005). Diversity, trust and community participation in England. Available online at: <http://www.Homeoffice.Gov.uk/rds/Pubintro1.htmL>.
28. Putnam, R. (1995). Bowling alone: America s declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
29. Soroka, S. Johnston, R. & Banting, K. (2005). Ethnicity, ethnic diversity, networks, and trust. Annual of Meeting of the Canadian Political Science Association. London Ontario.
30. Sztompka, p. (2000). *Trust : A sociological theory*. Port chester, NY. USA: Cambridge University Press.

31. Uslaner, E. M. (2002). Varieties of trust. For the *European Journal of Political Science Research*. Availbee from:
<http://www.gvpt.umd.edu/uslaner/uslanereps.pdf>
32. Uslaner, E. M. (2002). *The moral Foundations of trust*. NewYork: Combridge University Press.
33. Uslaner, E. M. (2006). Does diversity drive down trust? Availbee from:
<http://www.gvpt.umd.edu/uslaner/uslanerdiversity.pdf>
34. Ward, M. D., O. Loughlin, J. Bakke, K. M. & Cao, X. (2007). *Inter-Ethnic Trust in Conflict- Affected Societies: Bosnia and Herzgovina and the North Caucasus Region of Russia*.



پیوست

جدول ۷: توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

عنوان متغیرها	طبقات متغیرها	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	زن	۲۲۷	۵۶/۸
	مرد	۱۷۳	۴۳/۳
	جمع معتبر	۴۰۰	۱۰۰
سن	۱۸-۲۰	۱۷۱	۴۲/۸
	۲۱-۲۳	۱۸۲	۴۵/۵
	۲۴-۲۶	۲۷	۶/۸
	۲۷ سال به بالا	۲۰	۵/۰
	جمع معتبر	۴۰۰	۱۰۰
قومیت	آذری	۶۰	۰/۱۵
	فارس	۲۰۰	۰/۵۰
	کرد	۸۸	۰/۲۲
	لر	۵۲	۰/۱۳
	جمع معتبر	۴۰۰	۱۰۰
مذهب	شیعه	۳۴۷	۸۶/۸
	سنی	۵۲	۰/۱۳
	جمع معتبر	۳۹۹	۹۹/۸
پایگاه اجتماعی اقتصادی	بالا	۲۷	۶/۸
	متوسط	۲۲۳	۵۶/۰
	پایین	۱۴۸	۳۷/۲
	بدون جواب	۲	۰/۵
	جمع معتبر	۳۹۸	۱۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی